

# ۱- کشاورزی در اقتصاد ایران

مقدمه - نقش کشاورزی در اقتصاد ایران، با توجه به اهمیت آن در کسب استقلال اقتصادی کشور از یکسو، و امکانات بالقوه این بخش در محور قرار گرفتن و تغییر ساختار اقتصاد کشور از سوی دیگر، بررسی و شناخت بیشتر آن را ایجاب می نماید. در این مقاله، با عنایت به اهداف و مبنای استراتژی توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور، سعی خواهد شد که اهمیت کشاورزی و جایگاه آن در اقتصاد ایران بیان گردیده و لزوم محور قرار گرفتن این بخش و نتایج حاصل از آن تا حدودی روشن شود.

## اهداف و مبنای استراتژی توسعه اجتماعی - اقتصادی

.....

از آنجائیکه از جمله اهداف عالی جمهوری اسلامی ایران تحقق بخشیدن به ارزشهای والای اسلامی است، لذا در استراتژی توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور، ضرورت فراهم نمودن اسباب و وسایل مورد نیاز تحقق آنرا نیز باید لحاظ نمود. از ویژگیهای عمده این خط مشی، همواره نسبی بودن معیارها و شاخصهای اجتماعی - اقتصادی مورد نظر است که از طیفی بسیار گسترده برخوردار میباشد و لذا در فرآیند توسعه اجتماعی - اقتصادی سعی بر این است که هر چه بهتر و مناسب تر زمینه های تعبد و بندگی خداوند منان برای

آحاد افراد جامعه فراهم گردد .

در این فرآیند برخی معیارهای توسعه اجتماعی - اقتصادی که در سایر کشورهای نیز تجربه شده ، علاوه معیارهای خاص جامعه اسلامی ، بصورت اهداف کمی و کیفی مرحله ای ، مورد نظر میباشد . این معیارها ، از سویی بلحاظ فراهم نمودن زمینه بهره گیری آحاد مردم از امکانات فرهنگی - بهداشتی - سیاسی - قضائی و غیره در پی تعادل اجتماعی قرار داشته و از سوی دیگر در بعد اقتصادی نیز دارای دامنه بسیار گسترده ای میباشد . توسعه اجتماعی - اقتصادی مورد نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، عمدتاً "در موارد زیر متجلی شده است :

۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی .

۲- بالابردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر .

۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه ، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی . . . . .

۱۲- پیروزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه ، مسکن ، کار و بهداشت و تعمیم بیمه .

۱۳- تامین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و آموزش عالی و مانند اینها . . . . .

۱۶- تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام ، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بیدریغ از مستضعفان جهان ."

اهداف مورد نظر قانون اساسی بصورت ویژگیهای خاصی نیز قابل طرح است که از آن جمله میتوان ، برقراری تناسب در بخش های

مختلف اقتصادی - که ساختی سالم و بدون اتکاء به پتانسیل های خارج از مرزهای جغرافیائی داشته باشد - و درعین حال توزیع عادلانه عوامل تولید و به تبع آن توزیع عادلانه درآمد و تامین نیازهای طبیعی جامعه را تحقق ببخشد را نام ببرد. این ویژگیها میتواند نندبه عنوان اصول تعیین کننده استراتژی توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور، قلمداد گردند.

### مفهوم و ضرورت استقلال اقتصادی

oooooooooooooooooooooooooooooooooooo

استقلال اقتصادی و خودکفائی در اصول سوم و چهارم و سوم قانون اساسی مورد توجه و تاکید خاص قرار گرفته است. علاوه بر موارد فوق، که ضرورت دستیابی به استقلال اقتصادی را دوچندان میکنند، اهداف فرهنگی - اجتماعی که مطمح نظر جمهوری اسلامی میباشد نیز جامعه را ملزم به کسب استقلال اقتصادی مینماید.

به عبارت روشن تر ماهیت اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی بگونه ای است که بدون کسب استقلال اقتصادی، بعنوان یکی از ابتدائی ترین وسائل، امکان دستیابی به آن اهداف هرگز فراهم نبوده و مقصور نمی باشد.

حصول استقلال اقتصادی، به معنای ایجاد یک سیستم اقتصادی بسته نمی باشد، یعنی هر اقتصادی که رابطه خود را با خارج از مرزها قطع نموده باشد رنگ استقلال به خود نگرفته است. بلکه، استقلال اقتصادی از یکسوی حاصل عملکرد یک نظام اقتصادی گره خورده با سایرینها زیربنائی فرهنگی - اجتماعی جامعه بوده و از سوی دیگر حاصل توانمندیهای آن نظام در تامین نیازهای اساسی و کالاهای ضروری و مصرفی جامعه، بدون اتکاء اساسی به امکانات و پتانسیل های خارج

از مرزها می‌باشد.

برنامه کلان توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی پنجساله  
اول جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۶ - ۱۳۶۲) که از سوی وزارت برنامه  
و بودجه در سال ۱۳۶۱ منتشر شده، استقلال اقتصادی را به عنوان یکی از  
هدفهای کلی برنامه این چنین بیان میکند:

" اساسی استقلال اقتصادی وقتی حاصل می‌شود که :

۱- کالاهای اساسی مصرفی مورد نیاز مردم و سایر کالاهای استراتژیک  
عمدتاً " در داخل کشور تولید گردد. در غیر این صورت با قطع ورود این  
کالاهای ایجاد کمبودها در مواد اساسی مورد نیاز مردم اقتصاد کشور  
متزلزل می‌گردد.

۲- کالاهای واسطه‌ای که باید فعالیت‌های اقتصادی و ظرفیت تولیدی  
کشور را تغذیه نماید عمدتاً " در داخل کشور تولید شوند. در غیر این صورت  
با قطع ورود کالاهای واسطه‌ای فعالیت‌های اقتصادی مختل شده و  
بحران سقوط اقتصادی حاصل می‌شود.

۳- امکان رشد ظرفیت‌های تولیدی عمدتاً " با اتکا به فعالیت‌های  
اقتصادی - اجتماعی داخلی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر کالاهای  
سرمایه‌ای و مهارت و تکنولوژی لازم برای رشد عمدتاً " در  
داخل تامین گردد....

۴- مبادلات و بازرگانی خارجی کشور بر پایه صادرات کالاهای حاصل از  
فعالیت‌های تولیدی داخلی (و بر اساس نیاز متقابل با کشورهای  
طرف معامله) باشد. به عبارت دیگر بازرگانی خارجی بر اساس  
فروش ذخایر و ثروتها ملی و دریافت کالاهای ساخته شده نباشد... (۱)

---

۱- وزارت برنامه و بودجه - برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی -  
فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۶۶-۱۳۶۲ جلد اول : هدف

بنا براین، در شرایط کنونی که از یک نظام اقتصادی مناسب بهره‌مند نمی‌باشیم ویژگیهای اقتصادی در شاخص‌های نمودار رندکسه زدودن و چرخش آنها به سمت شرایط مطلوب می‌تواند مظاهراً استقلال اقتصادی را تجسم و تصویر نماید.

تحصیل بیش از ۴۰ درصد درآمدهای دولت از طریق فروش نفت خام و واردات سالانه بیش از ۱۳۳۲ میلیارد ریال در مقابل فقط ۳۳۰۴۱ میلیون ریال صادرات، و بیکاری حدود ۲۰ درصد جمعیت فعال کشور و... هرگز مشخصه استقلال اقتصادی کشور نیست. بلکه اطلاعات فوق در کنار سایر ویژگیهای کنونی اقتصاد کشور بیا نگرنا متعادل و ناسالم بودن ساختار اقتصادی کشور است.

استقلال اقتصادی دارای نمودها و مشخصه‌های بارزی در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. یعنی یک جامعه در شرایطی به استقلال اقتصادی دست می‌یابد که علاوه بر داشتن نظام اقتصادی مستقل، مجری انگیزه‌ها، طرحها و برنامه‌های مجموعه نظام اجتماعی - اقتصادی نیز باشد. هم چنین توانایی برقراری ارتباط و انتقال مازاد کالا و خدمات خویش را به خارج از نظام داشته و قدرت انتخاب در جذب نیازمندیهای خود از پیرامون را نیز دارا باشد.

زمینه‌های استقلال اقتصادی و رابطه آن با توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور  
.....

کسب استقلال اقتصادی به حیات و سرنوشت جامعه اسلامی و نقلی ما گره خورده است که بدون احراز یک چنین شرایطی هرگز قادر به استقرار در مواضع اصولی خویش نخواهیم بود.

---

وزارت برنامه و بودجه، دفتر اقتصاد کلان، گزارش مجموعه اطلاعاتی  
شخصی های اقتصادی شماره ۲.

اما سوآلی که در اینجا مطرح می باشد این است که مناسب ترین و سریعترین زمینه ها و شرایط برای تحقق استقلال اقتصادی را بایستی از کجا شروع کنیم و در چه بیابیم؟

طبق گزارش وزارت بازرگانی ۳۳ درصد کالاهای وارداتی را در ۸ ماهه اول سال گذشته (۱۳۶۶) ، مواد غذایی تشکیل میداده است. در سال ۱۳۶۳ در مقابل ۶۳۱ هزار تن تولید شکر در داخل - ۵۳۸ هزار تن واردات شکر داشته ایم (مصرف ۱۱۹۱ هزار تن) ، در سال ۱۳۶۲ در مقابل ۱۳۳۲ هزار تن تولید برنج ، به منظور تامین نیاز کشور ۷۴۲ هزار تن برنج وارد نموده ایم ، همچنین در سال ۱۳۶۴ مقدار تولید داخلی گندم ۶۶۳۵ هزار تن و ۲۱۳۷ هزار تن واردات گندم (سخت) داشته ایم ، این ارقام در شرایطی مورد تحلیل قرار می گیرند که استکبار جهانی با تمام توان کمر به نابودی این نظام بسته و اعلام میدارد که بایستی ریشه این ملت را خشکانند. (۶)

در خصوص اینکه اقتصاد مواد غذایی در جهان امروز از حساس ترین زیربخشهای نظام اقتصاد بین المللی بحساب می آید ، بحث خاصی نداریم ،

۱- مجله - سیاسی - اقتصادی - شماره ۱۵ - مؤسسه اطلاعات .  
۲- مرکز تحقیقات روستائی و اقتصاد کشاورزی - بررسی هزینه تولید و قیمت خرید محصولات اساسی کشاورزی ۶۵ - ۶۴ .  
۳- همان ماخذ .

۴- وزارت اقتصاد و امور دارائی - معاونت امور اقتصادی و بین المللی .  
گزارش در مورد مباحث کمیسیون تورم .

۵- وزارت بازرگانی - مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی - "بررسی مصرف گندم کشوری سالهای ۶۴-۱۳۵۲" - ماهنامه بررسیهای بازرگانی .  
شماره ۱۲ - (اردیبهشت ۱۳۶۷ ، ص ۲۵) .

۶- اشاره به اظهارات گاسپار و اینبرگر - وزیر سابق دفاع امریکا .

اما به این واقعیت مهم نیز اذعان داریم که بلحاظ سیاسی و اجتماعی، تامین مواد غذایی برای یک جامعه از برترین و ضروری ترین اقدامات اولیه در کسب حیات مستقل خویش، در جهان کنونی است.

حال با توجه به نکته فوق آیا زمینه‌های تحقق استقلال اقتصادی در کشور را بایستی در تقویت و رشد اقتصاد کشاورزی و اقتصاد مواد غذایی جستجو نمود؟ شکی نیست که پاسخ مثبت به سوال فوق، نیازمند به اقدام دلائل سیاسی - اجتماعی و اقتصادی قوی و مبتنی بر واقعیات کنونی جامعه می باشد که به اختصار در ذیل اشاراتی به آن خواهیم داشت.

ابتدا بایستی رابطه محکمی را که زمینه‌های تحقق استقلال اقتصادی با توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور دارد، ملاحظه نمود و بیه عبارت واضح تر، باید زمینه‌های تحقق استقلال اقتصادی مورد نظر را از اهداف کمی و کیفی جامعه، که در توسعه اجتماعی اقتصادی نهفته است استنباط و استخراج نمود.

نهی هرگونه سلطه‌پذیری، طرد کامل استعمار، بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، کار، امنیت، بهداشت، تامین خودکفایی کشاورزی و بالاخره تنظیم سیاست خارجی بر اساس قدرت و قوت نظام جمهوری اسلامی و غیره، از جمله مواردی است که برای تحقق توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور در پی آنها هستیم، حال بایستی به این سوال پاسخ داد که رشد و تقویت کدام یک از بخشهای اقتصادی توانائی این واقعیت را دارد که شمع و محوری گردد تا باری سایر فعالیت‌های اقتصادی بتواند با تولیدات و رشدی که پیدا می‌نماید، وسیله تحقق موارد یاد شده را ایجاد نماید.

بخش کشا ورزی با تعریفی که از آن خواهد شد، دارای توانمندیها  
است که علاوه بر جذب تولیدات و ثمرات فعالیت‌های اقتصادی سایر بخشها،  
مناسب‌ترین و سریع‌ترین زمینه‌های استقلال اقتصادی را فراهم می‌آورد.  
مشخصه‌های اقتصادی استقلال صرفاً "در یک بخش تجلی پیدا نمی‌کنند"،  
بلکه دستیابی به شرایط استقلال اقتصادی می‌تواند با تمرکز بر روی یک  
بخش که حساسیت و آمادگی بیشتری دارد شروع گردد. در حالیکه غیرمولد  
بودن بخش خدمات و وابستگی شدیدارزی بخش صنعت بگونه‌ای است که در  
مرحله اولیه حرکت هرگز قادر به تامین اهداف فوق نخواهد بود.

ادعای این مسئله که گسترش بخش صنعت لزوماً "رشد بخش کشاورزی  
را به همراه دارد" دیدگاه ساختار اقتصادی کشور، با واقعیات انطباق ندارد،  
هرچند که رشد بخش کشا ورزی نیازمند به تشدید فعالیت‌های صنعتی کشور  
می‌باشد. لذا به منظور تامین استقلال اقتصادی، لبه تیز فعالیت‌های  
اقتصادی کشور با یستی متوجه رشد و گسترش فعالیت‌های کشا ورزی باشد. به  
عبارت دیگر جوانه‌های استقلال اقتصادی از طریق رشد و گسترش فعالیت‌ها<sup>ی</sup>  
اقتصادی در بخش کشا ورزی سرمایه‌زنده‌ها و فراوانی برای رشد این  
جوانه‌ها در کشا ورزی کشور موجود است که خلاصه اهم دلایل به شرح زیر  
بیان میگردد:

- وابستگی نسبتاً شدید کشور به تامین مواد غذایی از خارج (۳۳ درصد  
(۱) واردات کشور در ۸ ماهه سال ۱۳۶۶ را مواد غذایی تشکیل میداده است).
  - فراهم بودن بخش عمده‌ای از عوامل تولید که تا کنون در بخش کشاورزی  
بلااستفاده مانده است.
  - فراهم بودن بازار مصرف و عدم اتکا به بازار خارجی برای گسترش  
تولید و این یکی از خصوصیات بارزی است که در مقابل گسترش اولیه
- 
- ۱- مجله سیاسی - اقتصادی - شماره ۱۵ - مؤسسه اطلاعات



سایر بخشها قرار دارد.

- فراهم بودن تکنولوژی و تکنیک تولید در کشور، که بطور عمده در داخل قابل دستیابی و گسترش می باشد.
- عدم احتیاج فراوان به ارز جهت گسترش تولید (در شرایطی که گسترش صنعت فعلی در داخل توانایی تضمین نیازهای صنعتی بخش کشاورزی را با حداقل ارز دارا می باشد).
- سهمی که در حال حاضر بخش کشاورزی در GNP درازیک سو و ظرفیتهای بالقوه و امکانات تولیدی در زیربخشهای کشاورزی از سوی دیگروآمدگی فراوانی را برای رشد این بخش فراهم آورده است.
- ایجاد اشتغال در زیربخشهای متنوعی که در کشاورزی وجود دارد می تواند تا حدودی مشکل فعلی و آینده کشور را در تامين فرصتهای اشتغال نیروهای فعال جامعه، حل نماید.
- تغییر ساختار اقتصاد کشور از جمله معضلات و مشکلاتی است که در نوع خود احتیاج به تسهیلات فراوانی در تخصیص منابع دارد، اما از طریق رشد مناسبترین بخش که شرایط فعلی آن، انطباق نزدیکی با معیارها و اهداف مورد نظر دارد می تواند این تغییر را در فرآیند رشد خود و در مجموعه اقتصاد کشور ایجاد نماید.
- معمولاً "عدم توانایی دولت ها در تامین مواد غذایی اساسی، سبب بحرانهای شدید اجتماعی میگردد، و این امر بیاهمیت اقتصاد کشاورزی در استقلال حاکمیت های سیاسی می باشد.
- حساسیت و اهمیت مواد غذایی بلحاظ قدرتی که در اختیار تولیدکنندگان عمده جهانی آن گذاشته است می تواند بیش از هر چیزی استقلال جوامع را بخطر بیندازد. موارد فوق همگی دلالت بر این دارند که رشد بخش کشاورزی زمینه مناسب را برای استقلال اقتصادی در راستای توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور فراهم می آورد و لذا با یستی این زمینه ها را در بخش فوق جستجو نمود.

## اهمیت کشا ورزی و جایگاه آن در اقتصاد ایران

.....

دربخش قبل به اهمیت و حساسیت کشا ورزی در اقتصاد کشور اشاره گردید و متذکر شدیم ، بلحاظ نیاز مبرمی که جا مع به محصولات اساسی و استراتژیک کشا ورزی دارد ، جایگاه این بخش را در اقتصاد جا مع دوجندان نموده است .

بخش کشا ورزی در ایران فعالیتهای متنوعی را در بر می گیرد که عمده ترین آنها ، زراعت ، دامداری و دامپروری ، شیلات و جنگلداری میباشد . ارزش افزوده این بخش به قیمت ثابت در سال ۱۳۶۱ ، ۴۳۶ میلیارد ریال بوده است که ۱۴/۳ درصد از GNP را تشکیل می داده است و این نسبت در سال ۱۳۶۳ ، ۱۳/۰۵ درصد شده است .  
(۱)

زیربخش زراعت با مساحت اراضی ۱۴۸۴۶ هزار هکتار در سال ۱۳۶۱ و تولیدات عمده ای همچون گندم ، جو و برنج بالاترین سهم ارزش افزوده گروه کشا ورزی را داشته است .  
(۲)

بخش دامداری و دامپروری که با تولید ۵۰۴ هزار تن گوشت قرمز (۲) و ۲۶۰ هزار تن گوشت مرغ در سال ۱۳۶۱ و ۱۸۱۵۹۵ هزار لیتر شیر بسته بندی (۴) شده نقش عمده خویش را در اقتصاد کشور به نمایش گذاشته است .

محصولرشدن قسمتی از مرزهای کشور به دریای خزر در شمال و به دریای عمان و خلیج فارس در جنوب و وجود آبهای سطحی جاری امکان توسعه

۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - گزارش بررسی تحولات اقتصادی بعد از انقلاب اسلامی - ص ۳۰

۲- مرکز آمار ایران . سالنامه آماری - سال ۱۳۶۴ .

۳- وزارت کشا ورزی - معاونت امور دام - گزارشات مربوط به تولید گوشت .

۴- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - گزارش بررسی تحولات اقتصادی بعد از انقلاب اسلامی - ص ۳۴

فعالیت‌های صیادی را تا کشت بیش از ۴۰۰ هزار تن ماهی دارا می‌باشد، در حالیکه در حال حاضر تنها حدود ۱۰ درصد ظرفیت واقعی را تولید داریم . (متوسط رشد سالانه شیلات ۴/۲۶ درصد یعنی بالاترین رشد را در زیربخش<sup>ی</sup> کشت و رزی به خود اختصاص داده است) .

وجود حدود ۱۸ میلیون هکتار جنگل که ۳ میلیون هکتار آن را جنگل‌های درجه ۱ و انبوه در شمال تشکیل می‌دهد، امکان فعالیت‌های جنگلداری را بسیار فراهم دارد. چنانچه برداشت محصولات جنگلی بصورت علمی صورت بگیرد، جنگل که یکی از منابع قابل تجدید طبیعی می‌باشد می‌تواند با بهره‌برداری اصولی برای همه نسلها مفید واقع گردد. عنایت به موارد فوق اهمیت توجه به بخش کشاورزی در اقتصاد ایران را تا حدودی روشن می‌نماید. اما از آنجائیکه استفاده از این منابع در طول حاکمیت رژیم گذشته مورد بی‌توجهی بوده و از سوی دیگر انقلاب نیز بعلمت مسائل مختلف قادر به حل ریشه‌ای مشکلات مربوط به این بخش نشده است، جایگاه بخش کشاورزی در اقتصاد ایران آنطوری که باید و شاید تبیین نشده است. اما علیرغم تمام مشکلات طبق گزارش بانک مرکزی در تمام دوره پنجساله بعد از انقلاب کشاورزی تنها بخشی بوده است که ارزش افزوده آن در هر سال رشدی مثبت داشته است. حال آنکه ارزش افزوده بخش‌های دیگر اقتصاد در سال‌های از دوره مزبور دارای رشد منفی بوده است. اهمیت مسئله فوق از آنجا روشن میشود که مشکلات اقتصادی پنجساله بعد از انقلاب را (۶۱ - ۱۳۵۷) مرور نمائیم (مسائل مربوط به محدودیت‌های ارزی و تحریم اقتصادی ایران از جمله موارد مهم آن بوده است) که بعلمت سالم بودن نسبی اقتصاد کشاورزی و وابستگی کمتر آن به خارج این رشد را به همراه داشته است. البته طرح این موضوع موید معضلات ریشه‌ای در بخش کشاورزی نیست، اما جایگاه مهم

آینده بخش کشاورزی در اقتصاد ملی ، بعلت سیاستهایی که در حال حاضر اعلام میگردد امری اجتناب ناپذیر خواهد بود .

محور بودن کشاورزی در استقلال اقتصادی وتوسعه (علل و تعریف )  
.....

چنانچه نمود اقتصادي جامعه توسعه یافته را در استقلال اقتصادي تصوير نماييم و ارتباط توسعه و استقلال اقتصادي را همچون ظرف و مظهر تلقی نمائيم ، محور بودن کشاورزی در فرآیند توسعه و کسب استقلال اقتصادي در یک راستا قرار میگیرند . به عبارت دیگر ، محور قرار گرفتن کشاورزی در برنامه توسعه اجتماعي - اقتصادي ، بعنوان اولین گام جهت تحصیل استقلال اقتصادي بحساب میآید .

معمولاً در اقتصاد ، محور قرار گرفتن یک بخش را در فرآیند توسعه به این معنی تعبیر نموده اند که : در یک چنین شرایطی ، بخش پیشرو و یا بخشی که محور قرار گرفته است آمادگی و امکان این را پیدا می کند که در جریان انجام فعالیتهاي اقتصادي خویش سرریز ارزش افزوده خود را جهت رشد سایر بخشها به منظور سرمایه گذاری در اختیار آنها قرار دهد .<sup>(۱)</sup> در اینجا سوالی که مطرح میشود این است که ،

اولاً ، آیا بخش کشاورزی میتواند با توجه به ساخت اقتصاد ایران ، محور توسعه قرار گیرد ؟

ثانیاً ، چنانچه محور بودن کشاورزی در اقتصاد ایران پذیرفته شود ، این بخش چگونه قادر است نقش خویش را در قبال سایر بخشها ایفا نماید ؟

بطور خلاصه علاوه بر دلائل سیاسی - اجتماعي که برای محور

---

۱- غلامرضا سلطانی - بهاالدین نجفی - اقتصاد کشاورزی - تهران : مرکز نشر دانشگاهی ، ۱۳۶۳ ، ص ۱۰۵

قرارداد ن بخش‌کشا ورزی در توسعه اقتصادی ایران ذکر شد مو توان به موارد زیر از بعد اقتصادی نیز اشاره نمود :

- ۱- وجود منابع فراوان تولیدی جهت فعالیتهای کشا ورزی، این مادگی را برای بخش فراهم آورده است که قابلیت افزایش تولید را در سطح بسیار بالائی امکان پذیر نماید به عنوان مثال بر طرف نمودن عملکرد ضعیف بخش زراعت در واحد سطح و اتلاف و ضایعات شدید آب، تبدیل بخش عمده‌ای از اراضی دیم به اراضی آبی، ایجاد سیستم کشت منطقه‌ای، فراهم نمودن صنایع دستی و کوچک وابسته به تولیدات بخش کشا ورزی، تولید فعالیتهای جنبی کشا ورزی مانند، زنبورداری، تربیت کرم ابریشم و... دامداری و دامپروری به اشکال سنتی و صنعتی، بهره‌بر داری علمی از محصولات جنگلی و وجود منابع عظیم صیادی در بخش شیلات، از جمله منابعی هستند که عمدتاً " یسا (۱) تاکنون بطور کامل در خدمت اقتصادی قرار نداشته‌اند و یا اینکه با ظرفیتهای بسیار کم مورد استفاده قرار گرفته‌اند، لذا فعال شدن این همه منابع دست نخورده و عظیم در کشور، بعنوان عوامل تولیدی که در جهت تجهیز آنها ارز زیادی احتیاج نیست به عنوان یکی از مهمترین زمینه‌های محور قرار گرفتن کشا ورزی مورد توجه است.
  - ۲- نظریه اینکه منابع ارزی به عنوان یکی از ارکان فعالیتهای اقتصادی در کشورهای جهان سوم مطرح میشود لذا بندرت فعالیتهای اقتصادی بی‌نیاز به ارزی باشند، اما در طبقه‌بندی این نوع فعالیتهای تجهیز
- 
- ۱- به عنوان مثال با توجه به مساحت آبهای داخلی کشور (حدود ۵۰۰۰۰۰ هکتار)، اگر بطور متوسط تولید طبیعی ماهی این آبگیرها با طرح ماهیدار کردن آنها ۲۰۰ کیلوگرم در هکتار باشد سالانه تولیدی برابر ۱۰۰۰۰۰ تن ماهی تولید خواهد شد. گزارشی از تکثیر و پرورش ماهی" - مجله جهاد شماره ۱۰۳ ص ۲۱.

زیربخش های کشاورزی، احتیاج کمتری به ارزدارنده رچنداره—  
اندازی صنایع مورد نیاز این بخش باعث ضعف کلی صنعت در کشور  
نیاز مندی به ارز خواهند بود.

۳- بازار تضمین شده و گسترده محصولات کشاورزی در داخل، بعنوان  
یکی از زمینه های رشد بخش کشاورزی مطرح می باشد و ما زاد تولید  
بلحاظ حساسیت این نوع محصولات علاوه بر نیاز داخلی، در بازار  
های خارجی نیز می توان حضور پیدا کرد.

۴- اثرات ساختی محور قرار گرفتن کشاورزی بر اقتصاد کشور، به عنوان  
دلیل عمده دیگری مطرح می شود. پیوندنا مطلوبی که در شرایط کنونی  
بین بخش های مختلف اقتصادی وجود دارد دنیا ز به تغییر و تحول  
اساسی دارد و در حال حاضر صنایع کشور توانایی تامین مناسب  
نیازهای بخش کشاورزی را ندارد و همینطور بخش خدمات و بازرگانی  
نیز نتوانسته است به خدمت کشاورزی درآید و متقابلاً کشاورزی نیز  
قادر به تامین نیازهای مردم نبوده است. لذا محور قرار گرفتن  
کشاورزی زمینه و امکان تغییر مطلوب و رشد مناسب را برای ساخت  
بخش ها فراهم می آورد.

۵- آشنائی نسبتاً زیادی که کشور با تکنیک و تکنولوژی تولید در بخش  
کشاورزی دارد، زمینه های گسترش و توسعه آن را بیش از پیش  
فراهم آورده است. البته مسئله فوق با این فرض است که صنایع،  
تامین نیازهای بخش کشاورزی را در اولویت قرار دهند.

۶- تنظیم پراکنش جمعیتی، هرچند از مقولات اجتماعی است، اما هر  
نوع پراکنش جمعیتی متناسب با نوعی خاص از ساخت اقتصاد در کشور  
می باشد. ایجاد مراکز شهرها و... ساخت خاصی از اقتصاد را می طلبد. محور  
قرار گرفتن بخش کشاورزی و امکان توسعه این نوع فعالیتها با توجه به

پراکنده‌گی عوامل تولید در سطح کشور می‌تواند تحت‌درمیان مدت نقیض  
بسیزائی در تنظیم مناسب پراکنش جمعیت و در سکونتگاه‌ها داشته باشد.  
بنا بر این محور قرار گرفتن کشاورزی در فرایند توسعه اقتصادی

اثراتی تعیین کننده در چگونگی تحصیل استقلال اقتصادی دارد.

از سوی دیگر بعزت فقر نسبی و توأم با محرومیتی که بر زندگی بخشی از  
جمعیت ساکن در مناطق روستائی که حدوداً "۴۶ درصد جمعیت کل کشور را  
(۱)  
تشکیل می‌دهند مترتب است محور قرار گرفتن کشاورزی، در تحقق توسعه  
اجتماعی کشور بسیار مفید واقع خواهد شد. به عبارت دیگر در حال حاضر  
ساخت اقتصادی کشور به گونه‌ای است که چنانچه برای روستائیان در  
مناطق روستائی امکان اشتغال و درآمد مناسب فراهم نشود (کشاورزی  
و صنایع روستایی)، مهاجرت‌های بی‌رویه تنها فقر و محرومیت را از مناطق  
دور افتاده مراکز به حاشیه شهرها انتقال خواهد داد، لذا ایجاد زمینه  
برای افزایش درآمد روستائیان که از ناحیه محور قرار گرفتن کشاورزی  
و توسعه اجتماعی - اقتصادی صورت می‌گیرد، گامی بلند و اصولی در  
راستای تحقق ارزشهای توسعه خواهد بود.

در بیان چگونگی ایفای نقش بخش کشاورزی در محور قرار گرفتن  
فرایند توسعه کشور، به ذکر این نکته اکتفا می‌شود که در مرحله اول، این  
بخش قادر خواهد بود که حدوداً ۱- نیازهای وارداتی کشور، که مواد  
(۲)  
غذائی است را تامین نماید و همچنین طبق اظهارات وزیر کشاورزی که  
۳  
برای هر ۲ میلیون نفر جمعیت اضافی بایستی ۳۰۰ هزار تن گندم و

---

۱- مرکز آمار ایران - نگاهی کلی به نتایج مقدماتی سرشماری عمومی  
نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ - گزیده مطالب آماری شماره ۱۴، سال سوم،  
فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۶، ص ۰۳.

۲- اخبار - مجله سیاسی - اقتصادی - شماره ۱۵ - مؤسسه اطلاعات.

(۱)

۶ هزار تن برنج، بیشتر از سال گذشته تولید ما می‌تواند با توجه به نرخ رشد جمعیت ایران (۳/۵۵ درصد) رقم فوق حدوداً زرشان کشور را مشخص می‌نماید که بخش‌کشا ورزی بطور مستمر موظف به افزایش تولید جهت تامین این نیاز نیز می‌باشد. و موارد درات ما زاد تولید افزون بر آن خواهد بود.

البته در چنین شرایطی که پیوند مناسب از یک سوی بیسبب بخشهای مختلف اقتصادی برقرار شده و از سوی دیگر هر بخشی متناسب با نیازها و امکانات داخلی رشد نموده است، ما زاد تولید برای سایر بخشها نیز اصولی بنظر می‌رسد که می‌تواند امکانات صادراتی برای آنها را نیز فراهم نماید.

در جمع بندی نهایی جا دارد که با اشاره به کشا ورزی صنعتی در استراتژی توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور مطلب را تکمیل نمایم. بخش کشا ورزی در فرآیند توسعه، در شرایطی توانمندی محور قرار گرفتن را دارد که قادر به ایجاد ارزش افزوده مناسب باشد و آنجا یک ارزش افزوده فعالیت‌های کشا ورزی نسبت به بخش صنعتی از شتاب کمتری برخوردار است، در شرایطی کشا ورزی می‌تواند خود را با نیازهای روز افزون جامعه از یک سو و ایجاد ارزش افزوده برای سرمایه‌گذاری مستقل از سوی دیگر تطبیق دهد که از صنعت و تکنولوژی مناسب صنعتی بعنوان اهرم‌های شتاب دهنده بهره‌مند گردد.

---

۱- دکتر زالی وزیر کشا ورزی - " سخنرانی وزیر کشا ورزی " مجله زیتون،

شماره ۷۴.

۲- مرکز آمار ایران. نگاهی به یافته‌های مقدماتی سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۶۵- گزیده مطالب آماری، شماره ۱۲ سال دوم آذر ۱۳۶۵.





مجموعه صنعت کشور تا مین نیازهای بخش کشاورزی را در اولویت قرار میدهد و همینطور بخش خدمات ، سعی خود را در ارائه هر چه بیشتر خدمات به این بخش خواهد نمود .

صنعت و زیربخشهای متنوع آن ، هر کدام به نوعی این ارتباط را برقرار می‌سازند و کشاورزی که در یک چنین شرایطی در پی انتخاب تکنولوژی و تکنیک مناسب است ، نیازهای خود را به زیربخشهای صنعت کشور اعلام و به نحو شایسته‌ای این نیازها را تامین می‌نماید .

زیربخشهای خدمات آموزش ، بازرگانی ، بیمه ، حمل و نقل ، سیستم های اعتباری ، سیستم های انبارداری و غیره می‌باشد که این بخش در چنین شرایطی سعی و توان خویش را در تامین نیازها و خواستههای بخش کشاورزی بکار می‌گیرد .

بنا بر این تجلی محور بودن بخش کشاورزی در فرآیند توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور ، به نحوه روابط این بخش با سایر بخشهای اقتصادی بر می‌گردد . یعنی در عین حالیکه ارتباط رفت و برگشت مستحکمی بین کشاورزی و بخشهای دیگر وجود دارد تا مین نیازهای بخش کشاورزی ، در اولویت خاص قرار می‌گیرد .

— بررسی چگونگی محور بودن کشاورزی (بلحاظ اجتماعی ، اقتصادی ،  
فنی)  
.....

پذیرش نظریه محور بودن کشاورزی در فرآیند توسعه اجتماعی - اقتصادی خود به خود تقیدها و تبعاتی برای مجموعه نظام اجتماعی و اقتصادی ایجاد خواهد نمود .

هما نظر ویکه تلویحا " در بلا اشاره شد ، محور قرار گرفتن کشاورزی

زندگی اجتماعی مردم را از زوایای گوناگون تحت تاثیر قرار میدهد. چنانچه کشاورزی محور توسعه اجتماعی - اقتصادی قرار گیرد نمی‌توان بدون در نظر گرفتن شرایط اجتماعی زیستگاههای کشاورزی و زارعین تولیدکننده برنامه را به سمت هدف هدایت نمود. هرگز نمی‌توان از جامعه فقیر که سطح درآمدی آنها بسیار نازل بوده و از لحاظ امکانات رفاهی در شرایط سختی بسر می‌برند و خدمات بهداشتی - درمانی - آموزشی اصولاً با زندگی آنها بیگانه است، انتظار داشت که عملکرد محصول را به سطوح استاندارد بین المللی برساند و آنقدر کوش کند که ما زاد تولید نیازهای جامعه را در سطح کلان پاسخگو باشد. یک کشاورز، یک صیاد، یک دامدار و... در شرایطی می‌تواند از خدمات آموزشی در سطح عالی جهت افزایش تولید استفاده کند و در شرایطی عملکرد خود را با کمترین ضایعات تولید خواهد نمود که خیالش برای قوت لایموت فرزندان اش آسوده باشد. در شرایطی می‌تواند فردی فنی - اصولی در محیط کار و زراعت و... باشد که حداقل امکانات رفاهی در اختیار خانواده اش قرار داشته باشد. و در شرایطی تن به انجام چنین کاری خواهد داد که محیط زندگی اجتماعی اش امنیت اجتماعی برایش فراهم نموده باشد.

بنابراین محور قرار دادن کشاورزی در برنامه توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور مستلزم فراموش نکردن زندگی اجتماعی مولدین و تولیدکنندگان این بخش است که در حال حاضر شرایط زیستی سنتی آنها، آنچنان فشاری برگزیده این قشر وارد می‌نماید که توان مقاومت و ماندن را از آنان سلب نموده است. بایستی علاوه بر زدودن مظاهر ضار رشهای توسعه اجتماعی، زمینهای اجتماعی جذب تولیدکنندگان بخش کشاورزی نیز فراهم گردد.

از سوی دیگر محور قرار گرفتن کشاورزی مستلزم توجهات خاصی

از ناحیه فرهنگ عمومی جامعه نیز هست. در حال حاضر جایگاه کشاورزی در فرهنگ مردم بقدری پست است که حتی بالاترین تخصص‌ها در مقایسه با موارد مشابه، از اهمیت واقعی آن برخوردار نیست. در این شرایط کمتر جوان شهری و حتی کشاورزان و زاده‌ای قبول میکنند که در مشاغل کشاورزی، فعالیت نماید. این مشکل هرگز با ارزشهای مادی حل نخواهد شد، بلکه از ناحیه اشباع شخصیت فرهنگی کشاورزان در ذهن عامه مردم قابل طرح و حل می‌باشد. لذا محور قرار گرفتن کشاورزی مستلزم اتخاذ سیاستهای فرهنگی خاص در راستای تحقق آن نیز هست.

اما بلحاظ اقتصادی همانگونه که اشاره کردید تا شرایطی که کشاورزی تمام ظرفیت‌های تولیدی خود را بکار نگرفته و توان رقابت با سایر بخشها را نیافته است، بخش اعظم سرمایه‌گذاری‌ها را پذیرا خواهد بود مگر اینکه بخشی جهت ارائه خدمات بیشتر به کشاورزی این سرمایه‌ها را جذب نماید. ولذا تامین نیازهای کشاورزی در اولویت برنامه‌های سایر بخشها قرار خواهد گرفت.

ولی با توجه به ضعف توان تخصصی موجود تولیدکنندگان بخش کشاورزی، از دیدگاه فنی، موضوع ظرفیت و حساسیتی خاص بخود می‌گیرد. سیستم ترویج و آموزش کشاورزی، از سطوح عالی دانشگاهی، موسسات تحقیقاتی، مدارس کشاورزی تا مروجین روستایی و... در مدار بسیار فعالی قرار می‌گیرند و این مجموعه با ابداع و انتقال و بکارگیری تکنولوژی و تکنیک مناسب، خلاهای فنی - تخصصی بخش کشاورزی را بر طرف نموده و امکان توسعه این بخش را فراهم می‌نماید.

موضوع مهم دیگری که بلحاظ فنی مورد توجه "استراتژی محور بودن کشاورزی در فرآیند توسعه" میباشد، حمایت فنی - تخصصی زارعین

در ایجاد صنایع پشتیبان بخش کشاورزی است که تقویت آن به استحکام و تقویت بخشیدن محوریت کشاورزی، قوام می‌بخشد.

## منابع و مأخذ

oooooooooooo

۱- سلطانی، غلامرضا - نجفی، بهاء‌الدین - اقتصاد کشاورزی - مرکز نشر دانشگاهی تهران - ۱۳۶۲.

۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب اسلامی.

۳- وزارت برنامه و بودجه - دفتر اقتصاد کلان - مجموعه اطلاعاتی شاخص‌های اقتصادی، شماره ۲.

۴- وزارت برنامه و بودجه، برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۶۶-۱۳۶۲، جلد اول: هدف‌ها و سیاستها، تهران ۱۳۶۱.

۵- وزارت اقتصاد و دارایی - معاونت امور اقتصادی و بین‌المللی - گزارش در مورد مباحث کمیسیون تورم.

۶- وزارت کشاورزی - مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی - بررسی هزینه تولید و قیمت خرید محصولات اساسی کشاورزی سال ۶۵-۶۴.

۷- مرکز آمار ایران - گزیده مطالب آماری شماره‌های ۱۴ و ۱۲ (تهران - مرکز آمار ایران ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶).

۸- وزارت کشاورزی - مجله زیتون - شماره ۷۴.

۹- وزارت کشاورزی معاونت امور دام - گزارشات مربوط به تولید گوشت.

۱۰- وزارت جهاد سازندگی - مجله جهاد، شماره ۱۰۳.